عنوان:

نکره یا معرفه بودن در مضاف‌إلیه أیّ

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-n-1 |
| موضوع | نحو/احکام اضافه |
| موضوع مرتبط | بلاغت/اغراض تنکیر، اغراض تعریف |
| رده | علمی/ادبیات عربی/نحو/تحقیقی پژوهشی/البهجة المرضیة/تبیین |
| برچسب | اضافه، دائم الاضافه، حال،نعت، معرفه، نکره، اغراض تنکیر، اغراض تعریف |
| توضیحات | - |

یکی از اسماء واجب الاضافه کلمه «أیّ» است و آن پنج قسم است:

موصوله، شرطیّه، استفهامیه، وصفیه و حالیه.

از این میان «أیّ» موصوله نمی تواند به نکره اضافه شود و در مقابل نیز «أیّ» وصفیه و حالیه نیز قابلیت اضافه شدن به معرفه را ندارند.

* اما این که چرا «أیّ» موصوله نمی تواند اضافه به نکره شود باید گفت:

«أیّ» موصوله به معنای«الذی» می باشد که معرفه است و همان طور که می دانید اضافه معرفه به نکره صحیح نیست، زیرا اضافه برای تخصیص یا توضیح می‌آید و بدیهی است که آن چیزی، می تواند توضیح یا تخصیص دهد که به لحاظ اعرفیت مساوی با مضاف یا بالاتر از آن باشد و نکره نه مساوی با معرفه است و نه اعرف از آن.[[1]](#footnote-1)

* اما در مورد این که چرا «أیّ» وصفیه و حالیه نمی توانند به معرفه اضافه شوند باید گفت:

مراد از«أیّ» وصفیه، آن است که دلالت بر کمال موصوف[[2]](#footnote-2) خود کند و این دلالت زمانی حاصل می شود که موصوف نکره باشد؛ لذا مضاف الیه آن باید نکره باشد تا صفت با موصوف مطابقت کند، بر خلاف «أیّ» مضاف به معرفه که به معنای «بعض» است و دالّ بر کمال نیست. مانند «مررتُ بِفارِسٍ أیِّ فارِسٍ» (عبور کردم به سوارکاری که در اسب سواری کامل بود).[[3]](#footnote-3)

* در مورد «أیّ» حالیه نیز باید دانست:

 «أیّ» حالیه، آنی است که دلالت بر کمال ذوالحال خود کند و غالبا ذوالحال معرفه است و می‌دانیم که اصل در حال نکره بودن است، پس مضاف الیه آن نیز باید نکره باشد تا حال بر نکره بودنش باقی بماند بر خلاف «أیّ» مضاف به معرفه که در این صورت دلالت بر کمال ذوالحال خود نخواهد کرد. مانند «مررتُ بزیدٍ أیَّ فارِسٍ»[[4]](#footnote-4).

* علاوه بر این، لقانی در دلیل اضافه «أیّ» وصفیه و حالیه به نکره می گوید:

«وصف و حال مشتقند، و مشتق، کلی است و مضاف به معرفه، جزئی است؛ از این رو اگر «أیّ» وصفیه و حالیه اضافه به معرفه شوند در کلام تناقض پیش خواهد آمد».[[5]](#footnote-5)

1. - التصریح علی التوضیح، ج 3 ص 44 [↑](#footnote-ref-1)
2. - ذوق بلاغی نیز می‌گوید که نکره و ناشناس بودن یک چیز در احساس بزرگی داشتن نسبت به آن چیز نقش دارد بخلاف آنچه که شناخته شود که بعد از شناخته شدن عادی می‌شود و احساس تعظیم نسبت به آن‌ کم‌رنگ می‌گردد. [↑](#footnote-ref-2)
3. - حاشیة الصبّان، ج 2 ص 261 [↑](#footnote-ref-3)
4. - همان [↑](#footnote-ref-4)
5. - حاشیه حمصی، ج 2 ص 44 [↑](#footnote-ref-5)